

تأثیر عوامل محیطی و اجتماعی بر احساس امنیت شهری

(مورد مطالعه: محلات منتخب شهر یزد)

جواد افشارکهن^۱ - محمد رحیقی یزدی^۲

چکیده:

عوامل متعدّد و متنوعی در برقراری نظم و امنیت اجتماعی تأثیرگذار هستند. از آن جمله می‌توان به عوامل محیطی و اجتماعی اشاره کرد. اهمیت این عوامل از آنجایی است که بپذیریم که عوامل ناامنی در بستر مکان رخ می‌دهند و توجه به این نکته که رفتار انسان در فضا و مکان‌های مختلف، متفاوت بوده و در بسیاری موارد فضا محرک انسان در بروز رفتار مجرمانه می‌باشد، امری ضروری است. این تحقیق از نوع پیمایشی است که طی آن از طریق پرسشنامه با روش خوشه‌ای، ۲۱۴ نفر در دو محله‌ی امیرآباد و صفائیه مصاحبه شده است. برای تحلیل داده‌ها از آزمون ضریب رگرسیون و پیرسون استفاده شده است.

بر اساس یافته‌های تحقیق، متغیرهای فضای فیزیکی، قلمروگرایی، نظارت اجتماعی و تعاملات اجتماعی بر روی احساس امنیت تأثیر دارند ولی میان میزان جرم با احساس امنیت رابطه‌ای به دست نیامد. همچنین متغیرهای تصور مردم، دستیابی به امکانات و سخت کردن آماج جرم بر روی میزان جرم تأثیر دارند.

می‌توان گفت متغیرهای فضای فیزیکی و کالبدی، قلمروگرایی و تعاملات اجتماعی عوامل مهمی برای بالا بردن احساس امنیت محسوب می‌شوند. توجه به فضاهای غیرقابل دفاع و ایجاد فضاهای سبز و مناسب برای گذران اوقات فراغت و در پی آن بالا بردن قلمروگرایی و تعاملات اجتماعی ساکنان که باعث نظارت غیررسمی و به دنبال آن نگهداری و مراقبت ساکنان از محله‌ی خود می‌شود، می‌تواند سیاست‌هایی موثر برای ارتقای احساس امنیت تلقی گردد. بر این اساس توجه سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان شهری باید به مقولاتی همچون توسعه‌ی پایدار و عدالت در توزیع امکانات شهری جلب گردد.

کلید واژه‌ها: امنیت، احساس امنیت، عوامل محیطی، محله، تعاملات اجتماعی.

۱- دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه بوعلی سینا همدان

۲- کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی دانشگاه بوعلی سینا همدان

تاریخ پذیرش: ۹۲/۵/۹

تاریخ وصول: ۹۲/۱/۱۸

مقدمه و بیان مسأله:

معماری شهری را می‌توان مقوله‌ای تأثیرگذار بر زندگی شهروندان در شهرها دانست برای مثال نوع توزیع فضاهای شهری موجب تأثیرگذاری بر هویت شهروندی و نوع رابطه‌ی شهروندان/شهروشنینان با شهر و نیز احساس امنیت در شهر می‌شود.

شاید بتوان گفت در معماری گذشته‌ی ما شهر و فضاهای شهری بیشتر در خدمت انسان‌ها بوده و همین موضوع امنیت بیشتری را به ارمغان آورده است. در دوره‌ی قاجار، در طراحی شهری، میدانچه‌های کوچکی وجود داشت که باعث شکل‌گیری محلات شده بود. در فضاهای شهری آن دوره وجود محلات و روابط اجتماعی حاکم بر آن‌ها و حضور مردم در آن نقش عمده‌ای در ایجاد امنیت در شهر داشت. در دوره‌ی پهلوی بسیاری از آن محلات به خیابان تبدیل شد و به تدریج محله‌ها حذف شدند. شهرسازی امروزی ما بیشتر برگرفته از مدل شهرسازی مدرن است. شهر محلی برای حضور غریبه‌ها و انجام امور اقتصادی است و نه ایجاد روابط اجتماعی و فرهنگی، در نتیجه فضای عمومی و حضور مردم در فضاها، کمتر شده؛ بنابراین امنیت شهری هم کمتر شده است (قرایی، ۱۳۸۹: ۲۰).

امنیت و احساس امنیت، دارای نقش اساسی در رضایت‌مندی و آسایش شهروندان و مطلوبیت زندگی در قالب توسعه‌ی پایدار انسانی و شاخصی برای کیفیت زندگی آنان، به شمار می‌آیند. مازلو (۱۹۴۳) بیان می‌کند که امنیت، دیگر نیازهای اساسی انسان را (مانند عشق و تعلق داشتن، اعتماد به نفس و خود شکوفایی) تحت الشعاع قرار می‌دهد (سینار و کوبوکو، ۲۰۱۲: ۸۳).

تمام کسانی که به بحث درباره‌ی آرمان‌شهر و مدینه‌ی فاضله پرداخته‌اند به اصول و روش‌هایی اشاره کرده‌اند که بر شکل دادن به محیط و متقابلاً بر رفتارهای جمعی و فردی تأثیر داشته‌اند. انسان هویت خویش را در هویت محیط جستجو می‌کند و هویت محیط را هویت خویش می‌پندارد. مفهوم امنیت در فضای شهری از یک‌سو با جرم و از سوی دیگر با مفهوم قربانی جرم واقع شدن و ترس از آن در ارتباط است. ترس از وقوع جرم، به اندازه‌ی خطرهای آماری حاصل از وقوع جرم اهمیت دارد؛ در واقع ترس از

جرم، از قربانی واقعی شایع تر است (محمودی جانکی و قورچی بیگی، ۱۳۸۸: ۳۴۶).

احساس ناامنی، خشونت و یا بی نظمی زیاد در محیط محلّه می تواند به طور مستقیم و غیر مستقیم، احساس پریشانی، ناتوانی و ترس را افزایش دهد (مایر، ۲۰۱۰: ۸۱). توجه به این نکته که رفتار انسان در فضا و مکان های متفاوت، با عملکرد نهفته در آن، متفاوت بوده و در بسیاری موارد فضا محرک انسان در بروز رفتار مجرمانه می باشد، امری ضروری است. نتایج برخی تحقیقات نشان می دهد که بین ارتکاب به جرایم و ویژگی های محل وقوع جرم ارتباط معناداری وجود دارد و کاهش ترس (و جرم و جنایت واقعی) می تواند از طریق طراحی محیطی به دست آید (سینار و کوبوکو، ۲۰۱۲: ۸۴). فضاهای شهری (ساختمان ها، خیابان ها، پیاده روها، پارک ها و...) صرفاً فضاهایی نیستند که جرم در آنها روی می دهد بلکه ساختار و طراحی فضا می تواند موجب پیشگیری و بازدارندگی از فعالیت های مجرمانه شده و امنیت شهری را بهبود بخشد و یا برعکس باعث ایجاد ناامنی شود.

اختلال فیزیکی (به عنوان مثال، آشغال، نقاشی های دیواری^۱ و خرابکاری^۲) و بی تمدنی^۳ در شهر می تواند احساس ناامنی را تقویت کند. همانگونه که جرم و جنایت به تمرکز در برخی از محیط ها را تمایل دارد و برخی از محیط ها سطوح بالاتری از ترس نسبت به دیگر محیط ها را دارا می باشد.

مردم نسبت به ترس از جرم یا احساس ناامنی واکنش های متفاوتی نشان می دهند. آنها ممکن است از حضور در مکان های معین در زمان های ویژه بپرهیزند و یا کمتر در مکان های عمومی رفت و آمد داشته باشند، فعالیت های روزمره و سبک زندگی شان را تغییر دهند و یا از مشارکت در زندگی اجتماعی کناره گیری کنند. یک شهر امن جایی است که فضای عمومی عاری از نشانه های ترس، خشونت و بی تمدنی داشته باشید، اما این لزوماً به معنای عاری بودن شهر از ترس نیست. باید توجه داشت که ترس از جرم می تواند عمدتاً حاصل تصور شهروندان از عوامل پنهان موجود در محیط اطراف باشد تا

1 graffiti
2 vandalism
3 Incivility

اینکه مشخصاً به فعالیت‌های مجرمانه آشکار در جامعه محلی مربوط باشد؛ بنابراین مطالعه‌ی ترس از جرم در محله‌های شهری لزوماً منحصر به محله‌های جرم‌خیز نیست (صدیق سروستانی، ۱۳۹۰: ۱۵۰). ترس از جرم در سطح فردی، آزادی فرد را برای عبور و مرور در محله‌ی خود محدود می‌کند. در سطح محله، ترس از جرم انسجام اجتماعی، مشارکت در نهادهای همکاری جمعی و پیوندهای اجتماعی را کاهش می‌دهد.

با طراحی مناسب محیط برای ایجاد زمینه‌ی حضور مؤثر شهروندان در فضاهای شهری و ترویج تعامل و تسهیل نظارت‌های اجتماعی شهروندان بر فعالیت مجرمان و محیط جرم و ایجاد تصویری مثبت از فضا در شهروندان و در نتیجه ایجاد "نگرش‌های اختصاصی به سوی محله"، از میزان جرایم و انحرافات کاسته و نیز تعلق ساکنان را به قلمروی خود بالا می‌برد. (گیلس و کورتی، ۲۰۰۸: ۲۴۱). در واقع با طراحی درست فضاهای شهری و از بین بردن فضاهای بی‌دفاع شهری، می‌توان برخی جرایم و انحرافات اجتماعی همچون فروش و مصرف مواد مخدر، بزهکاری، نزاع و درگیری، ناامنی اجتماعی و... را کاهش داد.

اصول اساسی پیشگیری از وقوع جرم از طریق طراحی محیطی^۱، کوشش‌های هدف‌مندی را (راه‌های کنترل و نظارت محیط‌های ویژه به منظور کاهش فرصت برای وقوع جرم) در بر می‌گیرد و همچنین تقویت محیطی (افزایش احساس امنیت در محیط‌های زندگی و کار مردم از طریق انجام فعالیت‌هایی که کنترل غیررسمی محیط را افزایش دهد) را شامل می‌گردد (فلیسنر و هنزل من، ۱۳۸۳: ۸۱). این دیدگاه این مزیت را دارد که تغییر وضعیت بسیار ساده‌تر از تغییر شخصیت فرد است (محمودی جانکی و قورچی بیگی، ۱۳۸۸: ۳۴۷).

چارچوب نظری:

نظریه‌ی پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی (CPTED)

این تئوری برای اولین بار در سال ۱۹۶۹ توسط رای جفری^۲ مطرح شد. جفری بر

1 Crime Prevention Through Environmental Design (CPTED)

2 Rhi Jeffrey

فرصت‌هایی که محیط در اختیار مجرمان قرار می‌دهد تأکید داشت و جرایم گوناگون را ناشی از این فرصت‌های محیطی می‌دانست. این نظریه بر این ادعا استوار است که از طریق برنامه‌ریزی و مدیریت و طراحی مناسب محل سکونت و کار افراد، می‌توان به کاهش نرخ جرایم در جامعه کمک کرد و بر مناطقی که اغلب تبدیل به اهداف اعمال جرم و جنایت دارد و سپس بر تکنیک‌هایی که می‌تواند اعمال جرم و جنایت در مناطق آسیب دیده را کاهش دهد، تأکید می‌کند. از آثار مثبت این نظریه می‌توان به بهبود کیفیت زندگی، تقویت حس تعلق به محیط در ساکنان، کاهش میزان جرایم و حتی افزایش قیمت خانه و زمین برشمرد (محمودی جانکی و قورچی بیگی، ۱۳۸۸: ۳۴۸). برای نظریه (CPTED) شش رکن و ویژگی قابل تصور است:

۱. تعیین قلمرو (قلمروگرایی)

هایدگر عقیده دارد که اجزای اصلی قلمرو "مشخص بودن" و "دفاع" از آن است. یکی از اساسی‌ترین گام‌ها در راه تعیین قلمروها توجه به عرصه‌بندی‌ها در سکونت‌گاه‌ها است که همانند دیگر پدیده‌ها از سلسله مراتب خاص پیروی می‌کند (محمودی جانکی و قورچی بیگی، ۱۳۸۸: ۳۵۵). این قلمروها از دید ادوارد هال به چهار دسته صمیمی، خصوصی، اجتماعی و عمومی تقسیم می‌شوند به طوری که مرز بین این حوزه‌ها مشخص نبوده و در فرهنگ‌های مختلف در هر درجه‌بندی، طیفی از دور تا نزدیک وجود دارد. میان اندازه‌ی فضا و قلمرو ادراکی آن همبستگی وجود دارد به طوری که فضای کوچکتر امنیت و صمیمیت بیشتری و نیز میل به تعامل اجتماعی قوی‌تری را خواهد داشت و در فضاهای وسیع احساس بدون حفاظ بودن و در نتیجه ناامنی وجود دارد (حسینی و ادیب‌زاده، ۱۳۸۷: ۳)

یکی از مهمترین اثرات محیط "تعلق مکانی" است که تا حدود زیادی با هویت مکانی در ارتباط است. قلمروگرایی مجموعه رفتارها و شناخت‌هایی است که یک فرد یا گروه بر مبنای مالکیتی که از فضای فیزیکی متصور شده است، بروز می‌دهد و می‌کوشد تعلق خاطر شهروندان را نسبت به اموال و دارایی آنان و دیگر فضاهای عمومی افزایش دهد (کلانتری، ۱۳۹۰: ۱). تعلق محله‌ای یک اصطلاحی است که مورد استفاده در روانشناسی

محیطی است که بین ساکنان و محیط و موقعیت اجتماعی و فیزیکی آن‌ها پیوستگی است. سطح بالاتری از تعلق محله‌ای با سطوح بالاتری از اثر جمعی همراه است (پیتنر، ۲۰۱۲: ۴۳). برای مشخص و مجزاً کردن قلمروها می‌توان از بوته‌ها، تغییر سطح زمین، حصارها و تغییر رنگ زمین استفاده کرد تا مردم چشمان خود را روی مشکلات باز کرده و نسبت به آن عکس‌العمل نشان دهند. نیومن اشاره کرد که طراحی مناسب می‌تواند موجب شود که بدانند کدام فضا متعلق به چه کسی است و به گونه‌ای باشد که فضاهای عمومی، خصوصی و نیمه خصوصی از یکدیگر متمایز باشند.

۲. نظارت یا مراقبت

نظارت بر سه گونه است:

(۱) **طبیعی و غیررسمی:** در مناطق مسکونی، نظارت طبیعی را می‌توان از طریق طراحی مسکن، با به حداقل رساندن موانع که باعث محدود شدن دید می‌شود، افزایش داد و ساکنان را برای مشاهده‌ی خیابان‌ها تشویق کرد. منزل به گونه‌ای طراحی شود که ساکنان داخلی بتوانند به راحتی بر فضاهای خصوصی، نیمه خصوصی و عمومی کاملاً نظارت داشته باشند. این نظارت معمولاً از طریق پنجره‌ها ممکن می‌شود. سارقان بر اهمیت نظارت ساکنان محله صحه گذاشته‌اند و بعد از مالکان، همسایگان را مهمترین افراد برای نظارت بر محله معرفی کرده‌اند. از لحاظ نظری، عابران، خیابان‌ها را امن‌تر، پُر جنب و جوش و جالب برای تماشا می‌کنند. علاوه بر این، محلّاتی که مناسب و سازگار برای پیاده‌روی طراحی شده‌اند، رفت و آمد بیشتر عابر پیاده را نیز ممکن می‌سازد و باعث افزایش نظارت و تأثیرگذاری بر امنیت می‌شود (گیلس و کورتی، ۲۰۰۸: ۲۴۱). جاکوبز در مورد خود انتظامی بودن یک خیابان چنین توضیح می‌دهد: باید چشم‌هایی همواره خیابان را بنگرند؛ چشم‌های کسانی که ما همواره آنان را مالکان طبیعی و حقیقی خیابان می‌نامیم. پیاده‌روهای خیابان می‌باید به صورت مداوم مورد استفاده قرار گیرد تا بر چشم‌های ناظر بر خیابان افزوده شود و به ساکنان خیابان شیوه‌ی نظارت به خیابان آموزش داده شود.

پیش‌نیاز اساسی برای مراقبت از محله، کمیّت قابل توجهی از مغازه‌ها و دیگر فضاهای عمومی است که در طول پیاده‌روهای یک محدوده، پراکنده شده باشند. زمانی که محله به ساختمان‌های بهسازی شده‌ی جدید تبدیل شوند که موجب بی‌توجهی به خیابان‌ها شود، کم‌کم خیابان‌ها امنیّت خود را از دست می‌دهند (جاکوبز، ۱۳۸۹: ۶۲).

استارک پنج جنبه ساختار شهری را به عنوان فاکتورهای پیش‌بینی‌کننده ارتکاب جرم در محلات و کاهش نظارت اجتماعی غیررسمی برشمرد که عبارت بودند از: تراکم جمعیت، فقر، کاربری مختلط (وجود اقامتگاه، صنایع و فروشگاه‌ها در یک مکان)، مهاجرت (ورود و خروج مداوم به آن) و خرابی و فروریختگی ساختمان‌ها (رضایی بحرآباد، ۱۳۹۰: ۴).

۲) رسمی یا سازمان‌یافته مانند پلیس یا نگهبانان. محققان بریتانیایی دریافتند این نوع از نظارت به صورت کم محافظ در برابر خرابکاری است. آنها به این نتیجه رسیدند که ترکیب اجتماعی جمعیت، تأثیر بیشتری نسبت به نظارت مستقیم دارد. در محلات شهر مطرح شده است که تدابیر امنیتی آشکار در فضای عمومی ممکن است نشانه‌ای برای عابران باشد که منطقه ناامن است (گیلس و کورتی، ۲۰۰۸: ۲۴۱).

۳) مکانیکی (روشنایی و دوربین مداربسته):

روشنایی: یکی از مهمترین عواملی که در افزایش حس امنیّت مؤثر است، استفاده از نور و روشنایی می‌باشد. نور دو کار انجام می‌دهد:

۱) به کسی که ناظر یک وضعیت است کمک می‌کند که واضح‌تر ببیند (قرایی، ۱۳۸۹: ۲۲) و در صورت نیاز مداخله کند. این امر موجب می‌شود با افزایش قوه‌ی احساس تحت مراقبت بودن، ارتکاب جرم کاهش یابد.

۲) دوم اینکه مردم را تشویق می‌کند در محل بمانند زیرا رؤیت‌پذیری بیشتر مانع جرم می‌شود. با توجه به دیدگاه اپلتون (۱۹۷۵) "نظریه‌ی پناهگاه" مردم مکان‌هایی را که زمینه‌های زیادی از دیده شدن (چشم انداز) و حفاظت در برابر

تهدید (پناه بردن) را ارائه می‌دهد، ترجیح می‌دهند (سینار و کوبوگو، ۲۰۱۲، ۸۴).

۳. کنترل دسترسی یا ورودی

از دیدگاه کار^۱ سه گونه دسترسی‌پذیری کالبدی، بصری و نمادین وجود دارد که مورد سوم یعنی این که نمادها می‌توانند محرک یا غیرمحرک باشند و فرد را برای ورود به فضایی ترغیب یا تهدید کنند. برای مثال، حضور افراد با ظواهر مختلف می‌تواند جذاب و یا دفع‌کننده باشد. این مورد از دسترسی‌پذیری به صورت مستقیم با احساس امنیت و ترس از مورد خشونت قرار گرفتن در ارتباط است (مدیری، ۱۳۸۵: ۱۴).

۴. تصویر و نگهداری از فضا

۱. معمولاً در محلات شهری، هر محله‌ای مشخصاتی جدا از دیگر محلات شهری دارد و ظاهر فیزیکی محله نشان‌دهنده‌ی رفتار و روحیات ساکنان محله می‌باشد. تحقیقات نشان داده است که قلمرویی که بد تعریف شده باشد (چه قلمروی اولیه (خانه) و چه قلمروی عمومی) پرخاشگری بیشتری را به دنبال خواهد داشت بنابراین اگر ساکنان تصویر بدی از محیط داشته باشند، احتمال ارتکاب جرم در آن فضا بیشتر خواهد بود.
۲. میان نگهداری و حفاظت از محیط محله با کاهش جرایم رابطه وجود دارد. نگهداری بهتر از محیط علاوه بر افزایش قلمروگرایی در میان ساکنان، احساس تعلق به فضا را ارتقا داده و این حس را القاء خواهد کرد که این محله، دارای فضای امنی است (محمودی جانکی و قورچی بیگی، ۱۳۸۸: ۳۶۱). نگهداری خوب از مسکن، نشانه‌های اختصاصی ساکنان محله است و یک تمایز نمادین بین فضای عمومی و خصوصی را ارائه می‌دهد. تحقیقات به این نتیجه رسیده‌اند که چمن و بستر و فضای ناهنجار با آسیب‌پذیری جرم در محله ارتباط دارد.

کوچه‌های تاریک، فضاهای خلوت و یا خیلی شلوغی که با آدم‌های ناجور پرشده‌اند، پیاده‌روهای کم عرض و ورودی به مکان‌هایی که توسط گدایان، ولگردها و جوانان، بسته و یا سد می‌شوند، همچنین فضاهایی که اتفاقات خاصی در آن ممکن است رخ دهد، از جمله‌ی این فضاهاست.

نظریه‌ی پنجره شکسته:

این نظریه توسط جیمز ویلسون و جرج کلینگ (۱۹۸۹) مطرح شد. در این نظریه پیشنهاد شد سیاست‌گذاری در محله‌های شهری باید بر پایه‌ی درک ارتباط نظم محله و پیشگیری از جرم باشد. در دید آنها بهترین روش برای مقابله با جرائم از بین بردن و پیشگیری از به هم‌ریختگی است. در محله‌ی که شلخته، کثیف، بی‌نظم و نشانه‌هایی از بی‌توجهی و خرابی، نظیر تلنبار شدن زباله‌ها، نمای بیرونی ناموزون ساختمان‌ها و پنجره‌های شکسته باشد (بهرامی، ۱۳۹۰: ۱۴) و برای یک دوره‌ی زمانی طولانی قابل قبول، باقی بماند، افرادی که در این منطقه زندگی و کار می‌کنند، بیشتر احساس در معرض خطر بودن دارند و شروع به عقب‌نشینی می‌کنند و مجرمان و کج‌رفتاران احساس می‌کنند که در آن محل نظارت اجتماعی چندانی وجود ندارد و هیچ‌کس به اوضاع و احوال پیرامون خود اهمیت زیادی نمی‌دهد و ساکنان نسبت به آنچه که اتفاق می‌افتد بی‌تفاوتند (اسکاربورو، ۲۰۱۰: ۸۲۱)؛ بنابراین محیط را برای انجام اعمال خلاف قانون مناسب می‌یابد. وود و همکاران (۲۰۰۸) دریافتند که سطح بالای نگهداری محله (به عنوان مثال، نگهداری باغچه‌ها، آشغال کم) با احساسات بیشتری از امنیت و سرمایه‌ی اجتماعی در میان ساکنان در ارتباط است (کنویمان، ۲۰۱۱: ۸۱).

۵. سخت کردن آماج جرم

در این قسمت تلاش می‌شود تا استانداردهای امنیتی ساختمان بالا برده شود. مطالعات مختلف ثابت کرده‌اند که خانه‌ها و اموالی که تجهیزات امنیتی اولیه ندارند (نرده‌ها، دزدگیر، دیوار محکم، قفل خودکار، قفل حلق‌آویز و سیستم‌های هشدار دهنده که باعث مانع و تأخیر سرقت می‌شوند)، سه یا شش برابر احتمال دزدی را بالاتر می‌برد تا زمانی که دارا باشند (نورینی، ۲۰۱۲: ۶۳۱)؛ در مقابل ممکن است استفاده‌ی افراطی از تجهیزات

امنیتی موجب تضعیف خودنظارتی افراد به محیط شود.

۶. فعالیت پشتیبانی (حمایتی)

باید به گونه‌ای محیط را طراحی کرد که ساکنان محلات به حضور بیشتر در فضاهای عمومی تشویق شوند. استفاده‌ی زیاد و متنوع از محلات باعث می‌شود فرصت‌های مجرمانه به علت افزایش حضور مردم کاهش یابد. محلاتی با اثربخشی جمعی بالا و کنش اجتماعی سیاسی و غیررسمی، بیشتر احتمال دارد به پرورش یک محیط سالم بینجامد (رومن، ۲۰۰۸: ۳۰۷). جین جاکوبز در کتاب "زندگی و مرگ شهرهای بزرگ آمریکا"، به مسأله امنیت و عوامل بازدارنده‌ی فضایی و کالبدی شهرها و محلات اشاره می‌نماید. وی اعتقاد داشت که طراحی شهری در این دوره باعث شده است که مردم کمتر با هم در تعامل باشند و باعث پایین آمدن خودکنترلی افراد نسبت به هم شده و در نتیجه باعث افزایش جرم و ناامنی شوند. وی آرامش فضای شهری را ابتدا شبکه‌ی ناخودآگاه و پیچیده‌ی اجتماعی و استانداردهای موجود میان مردم می‌داند.

رویکرد سمپسون و رودنبوش (۱۹۹۹) بر این فرض است که انسجام و همبستگی بین ساکنان محله، ترس از جرم و ناامنی را از بین می‌برد و کاهش کارآیی جمعی، احساس بی‌تمدنی (خشونت) و ناامنی را افزایش می‌دهد. تراکم روابط اجتماعی در یک محله و سطح مبادلات متقابل و همبستگی اجتماعی در میان همسایگان ممکن است بر احساس امنیت ساکنان تأثیر بگذارد و با نشانه‌های استرس‌زا در محیط محله‌ی خود مقابله کند (مایر، ۲۰۱۰: ۸۱۶). در واقع فضاهایی دارای کیفیت بالا هستند که وسیع‌ترین دامنه‌ی فعالیت‌های پیاده را امکان‌پذیر می‌کنند و در واقع اختلال فیزیکی محله اغلب نشان دهنده‌ی عدم سرمایه‌ی اجتماعی و سطوح پایین کنترل اجتماعی رسمی و غیررسمی است. پارک‌ها و رستوران‌های فروش فست فود، همه محیط‌های ساخته‌شده‌ای هستند که ممکن است به توسعه یا تضعیف اعتماد اجتماعی یا اثر جمعی کمک بکنند. پارک‌ها به عنوان مکان‌هایی برای استراحت، تجربه کردن طبیعت، ورزش کردن، معاشرت، بازی کردن، گردش دسته جمعی و جشن‌های دیگر طراحی شده‌اند. انتظار می‌رود، پارک‌ها که تصاویر مثبتی را ایجاد می‌کنند، باعث تسهیل تعاملات اجتماعی و همکاری شوند. در

رستوران‌های فروش فست فود زمانی که مردم خوردن غذاهای با کالری بالا را در حال حرکت (بدون نشستن در مکان خاصی) و دلسرد نسبت به آهسته خوردن را تشویق می‌کنند، ممکن است تأثیر منفی بر اثر دسته‌جمعی و توسعه‌ی تعاملات بین فردی بگذارد. انجام فرایند آماده‌سازی غذا و زمان صرف کردن برای خوردن آن، جایی که در آن مردم نه تنها با هم غذا می‌خورند، بلکه با یکدیگر در مورد زندگی و احساساتشان گفتگو و محاوره می‌کنند، بسیار اهمیت دارد (کوهن، ۲۰۰۸: ۱۹۹). همانطور زمانی که افراد توسط محیط کثیف و پُر سر و صدا، ساختمان‌های رها شده، نقاشی‌های دیواری در اماکن عمومی، جرم و جنایت و ولگردی (پرسه زدن) احساس ترس بکنند، احتمال کمتری وجود دارد که آنها به توسعه‌ی روابط اجتماعی با همسایگان از طریق تعاملات اجتماعی مانند گفتگو، دید و بازدید، یا کمک به یکدیگر در زندگی روزمره بپردازند (کیم، ۲۰۱۰: ۲۶۲).

همچنین شواهدی وجود دارد که شبکه‌های دوستی محله، ممکن است رفتارهایی که سلامت را بویژه برای مردان به خطر می‌اندازد، افزایش دهد. میجر و بیلسون (۱۹۹۲) در یک مطالعه از مردان آمریکایی آفریقایی‌تبار در آمریکا نشان می‌دهند که محیط‌های آشوبگرانه و ناامن، مردانی را جذب می‌کند که منزلتشان در سلسله مراتب جهان کار روزمره‌ی پایین است. رفتارهای این نوع از مردانگی، سیگار کشیدن، مواد مخدر و مصرف الکل، نزاع، غلبه‌ی جنسی، سلطه و تسلط و جرم و جنایت است (مایلز، ۲۰۰۶: ۲۴۶۴).

نظریه‌ی فضای قابل دفاع

اسکار نیومن (۱۹۷۳) نیز در کتاب "مردم و طراح‌ی در شهر پُرخشونت"، نظریه‌ی فضای قابل دفاع را مطرح می‌کند و تعریف او از این اصطلاح اماکن و فضاهایی است که به کسی تعلق ندارند و بر حفظ و نگهداری آنها نظارتی نمی‌شود. یکی از اصول فضاهای قابل دفاع اسکار نیومن، نظریه‌ی تعریف و حفاظت مرزهای یک محیط بود. این کار با اینکه در جلوگیری از جنایت مؤثر بوده است اما به طور بالقوه می‌تواند از هم جداسازی‌های اجتماعی و انحصارها را افزایش دهد. نیومن سه فاکتور افزایش جرم در

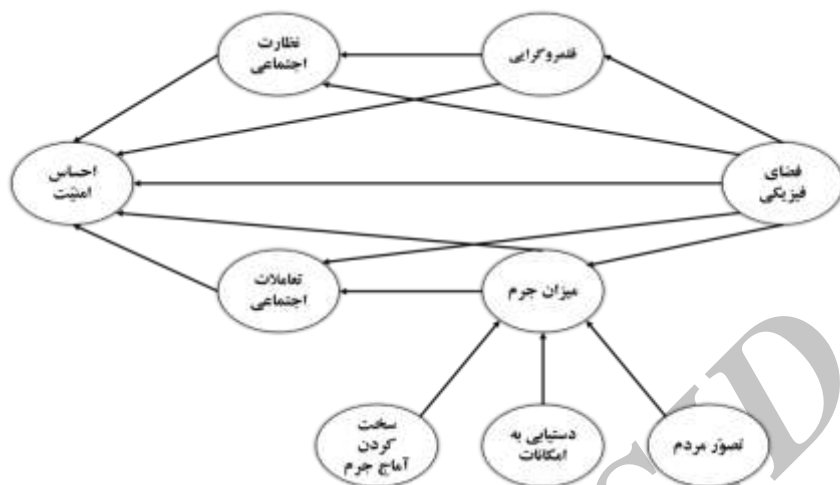
محله‌های مسکونی را بیگانگی ساکنان محله (همسایه‌ها) از هم، عدم وجود نظارت و محیط‌هایی که امکان فرار را برای مجرمان فراهم می‌کنند، می‌داند. مناطقی که دارای نرخ بالایی از بی‌تمدنی اجتماعی (به عنوان مثال، همسایگان پر سر و صدا، فحشا، قاچاق مواد مخدر و فعالیت‌های مربوط به باند) و فیزیکی (به عنوان مثال، خرابکاری، نقاشی روی دیوار، آشغال روی هم ریخته شده و...) است، ممکن است به عنوان فضای عمومی تعریف نشده تصور شود. اصطلاح "تعریف نشده" به مناطقی که فاقد مالکیت است برمی‌گردد (پیتنر، ۲۰۱۲: ۴۳).

در ایران نیز پژوهش‌های انجام شده در زمینه‌ی ناامنی محل سکونت نشان می‌دهد که ویژگی‌های یک مکان ناامن عبارتند از: وجود فضای خالی پشت ارتفاعی که دید ناظران را از بین می‌برد و فرورفتگی‌ها و قطع ارتباط بصری که موجب ایجاد امنیت برای بزهکاران می‌شود؛ همچنین زیرگذرها، گودها و زیرپله‌ها از جمله فضاهای غیر قابل دفاع می‌باشند (نوروزی و فولادی سپهر، ۱۳۸۸: ۱۴۱). مسجد یکی از فضاهای عمومی است که نقش زیادی در ایجاد نظم عمومی و امنیت محله دارد و یک نهاد بسیار مناسب برای جلوگیری از بروز جرم و جنایت و ایجاد امنیت در سطح محله می‌باشد (قرایی، ۱۳۸۹: ۲۱).

توزیع نامتعادل امکانات

بنا بر نظر کلوآرد، وقتی ابزار و امکانات معمول و مورد نیاز یکسان توزیع نشود و برخی در شرایط بهتر قرار گیرند و برخی با عدم امکان دستیابی به وسائل و امکانات مواجه باشند، احتمال ارتکاب جرم افزایش می‌یابد و این امر به ناامنی منجر خواهد شد، همچنین به استناد تئوری آنومی دورکیم، محل زندگی یا محل سکونت در بروز شرایط جرم‌زدا یا همان امنیت دخیل است (ساروخانی، ۱۳۸۵: ۹۰)؛ به عنوان مثال عدم وجود فضای سبز در محله می‌تواند اثر کاهش استرس را محدود و قرار گرفتن در معرض محیط‌های طبیعی را کاهش دهد. در هر محله‌ای میزان جرم بسته به آنکه پُرجمعیت یا کم جمعیت و یا از طبقات بالا یا از طبقات پایین باشد، متفاوت است.

مدل نظری:



فرضیات تحقیق:

با توجه به مباحث نظری طرح شده، فرضیه‌های تحقیق به قرار زیر ارائه می‌شوند.

۱. دستیابی به امکانات بر روی میزان جرم در محله اثر می‌گذارد.
۲. بین تصور مردم و میزان جرم در محله رابطه وجود دارد.
۳. بین میزان استفاده از تجهیزات امنیتی و میزان جرم در محله رابطه وجود دارد.
۴. بین تعاملات اجتماعی و میزان احساس امنیت در محله رابطه وجود دارد.
۵. تعلق به محیط یا قلمروگرایی بر روی میزان احساس امنیت در محله اثر می‌گذارد.
۶. نظارت و نگهداری از محیط محله بر روی میزان احساس امنیت در محله اثر می‌گذارد.
۷. میزان جرم میزان احساس امنیت در محله اثر می‌گذارد.
۸. فضای فیزیکی بر روی میزان احساس امنیت در محله اثر می‌گذارد.

روش تحقیق:

در این تحقیق، برای بررسی از روش پیمایش با ابزار پرسشنامه استفاده شده است. جامعه‌ی آماری شامل دو محله‌ی صفائیه (جزو طبقه بالا) و امیرآباد (جزو طبقه‌ی پایین) می‌باشد. جامعه‌ی آماری دو محله ۱۹۷۵۵ نفر بوده است که حجم نمونه‌ی آن دو محله ۲۱۴ نفر برآورد شده است. بر اساس تحلیل عاملی اکتشافی صورت گرفته بر روی پرسش‌های هر یک از آزمون‌ها مشخص گردید که آزمون استفاده شده در این تحقیق از

روایی سازه برخوردارند. برای سنجش پایایی تحقیق از آلفای کرونباخ استفاده شد که ارقام مربوطه در جدول شماره (۱) آورده شده‌اند.

جدول شماره (۱): آلفای کرونباخ پایایی متغیرهای تحقیق

متغیرها	ضریب آلفای کرونباخ
فضای فیزیکی	۰.۷۱۳
قلمروگرایی	۰.۸۰۱
میزان جرم	۰.۷۰۳
احساس امنیت	۰.۶۶۷
نظارت اجتماعی	۰.۷۰۴
تعاملات اجتماعی	۰.۷۰۵
دستیابی به امکانات	۰.۷۴۳
تصور مردم	۰.۸۷۲
سخت کردن آماج جرم	۰.۶۱۳

یافته‌های توصیفی:

میانگین سن افراد مورد مطالعه، ۳۷ و ۳۸ سال و حداقل و حداکثر سن به ترتیب برابر با ۱۵ و ۷۵ سال بوده است. از نظر جنس ۵۷/۹ درصد مرد و ۳۹/۳ درصد زن می‌باشند. در مورد تحصیلات، دیپلم با ۳۲/۲ درصد و لیسانس با ۲۸ درصد بیشترین فراوانی را داشتند. در این تحقیق میزان احساس امنیت دو محله تفاوت معناداری با هم ندارند.

یافته‌های استنباطی:

جدول شماره (۲) رابطه‌ی متغیرهای مستقل تصور مردم و استفاده از تجهیزات امنیتی با متغیر وابسته میزان جرم در محله را نشان می‌دهد.

جدول شماره (۲): متغیرهای مؤثر بر میزان جرم در محله

متغیر	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری
تصور مردم	۰/۱۴۹	۰/۰۳۰
استفاده از تجهیزات امنیتی	۰/۲۶۹	۰/۰۰۰

با توجه به اینکه سطح معناداری هر دو متغیر گزارش شده در جدول شماره (۲) از ۰/۰۵ کمتر است، این مسأله نشان می‌دهد که رابطه‌ی بین متغیرها معنادار می‌باشد.

جدول شماره (۳) رابطه تعاملات اجتماعی و میزان احساس امنیت در محلات را نشان می‌دهد.

جدول شماره (۳): رابطه تعاملات اجتماعی و احساس امنیت

متغیر	ضریب پیرسون	سطح معناداری
تعاملات اجتماعی	۰/۳۹۶	۰/۰۰۰

همانطور که جدول شماره (۳) نشان می‌دهد، رابطه‌ی بین این دو متغیر نیز معنادار است. جدول شماره (۴) رابطه بین دستیابی به امکانات و میزان جرم را نشان می‌دهد.

جدول شماره (۴): رابطه‌ی دستیابی به امکانات مردم

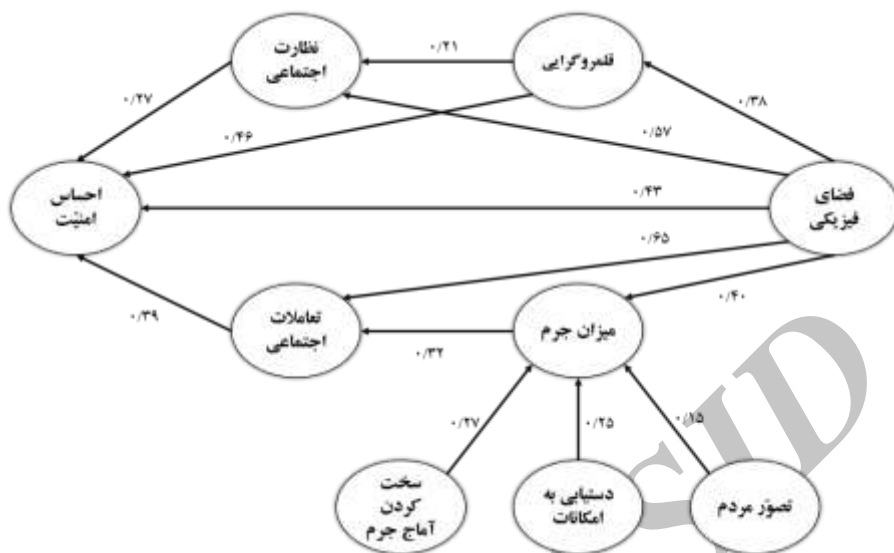
سطح معناداری	t	بتا	ضریب تبیین	f
۰/۰۰۰	۳/۸۳	۰/۲۵۶	۰/۰۶۱	۱۴/۷۴

با توجه به کمتر از ۰/۰۵ بودن سطح معناداری، رابطه‌ی بین دو متغیر معنادار می‌باشد. جدول شماره (۵) رابطه‌ی چند متغیر مستقل و میزان احساس امنیت در محلات را نشان می‌دهد.

جدول شماره (۵): رابطه‌ی متغیرهای مستقل و احساس امنیت

متغیر	سطح معناداری	t	بتا	ضریب تبیین	f
تعلق به محیط	۰/۰۰۰	۹/۰۱۵	۰/۵۲۷	۰/۲۷۵	۸۱/۲۷
نظارت و نگهداری محیط	۰/۰۰۰	۴/۰۸۳	۰/۲۷۱	۰/۰۶۹	۱۶/۶۷
میزان جرم	۰/۶۸۱	-۰/۴۱۱	-۰/۰۲۸	-۰/۰۰۴	۰/۱۶۹
فضای فیزیکی	۰/۰۰۰	۷/۰۳۴	۰/۴۳۶	۰/۱۸۶	۴۹/۴۷

آنچنان که ارقام جدول شماره (۵) نشان می‌دهد، تنها سطح معناداری متغیر میزان جرم در محله از ۰/۰۵ بالاتر است و رابطه آن متغیر با احساس امنیت معنادار نیست ولی رابطه‌ی بقیه متغیرها با احساس امنیت معنادار می‌باشد.



نتیجه گیری:

امنیت موضوع پیچیده‌ای است بویژه موضوع احساس امنیت که مقوله‌ای پیچیده‌تر و مهمتر از موضوع امنیت است زیرا بین امنیت واقعی و احساس امنیت ساکنان که از ادراک ذهنی نسبت به فاکتورهای امنیت‌بخش حاصل می‌شود، تفاوت زیادی وجود دارد. امنیت در محیط‌های مختلف، متفاوت است و بعضی از مکان‌ها زمینه‌ساز جرم و مزاحمت دیگران می‌شود ولی دیگر فضاها برعکس باعث جلوگیری از آن. دیدگاهی بر این عقیده است که تغییر دادن شخصیت و رفتار افراد بسیار دشوارتر از تغییر دادن شرایط فیزیکی و محیطی آنهاست. ما می‌توانیم با تغییر یا اصلاح و نظم دادن محیط فیزیکی و کالبدی شهر باعث جلوگیری از به وجود آمدن شرایط ناهنجار جامعه و بی‌تمدنی اجتماعی و فیزیکی و بزهکاری شویم.

بر این اساس، در این تحقیق به بررسی عوامل محیطی مؤثر بر احساس امنیت پرداخته شده است. فضای فیزیکی محله بر روی متغیرهای قلمروگرایی، نظارت و مراقبت، تعاملات اجتماعی، میزان احساس امنیت ساکنان و میزان جرم در محله تأثیر می‌گذارد. میزان جرم در محله بر روی تعاملات اجتماعی ساکنان و میزان مشارکت آنها با هم تأثیرگذار است و در پی آن باعث بالا رفتن میزان احساس در آنها می‌شود. میزان

قلمروگرایی ساکنان که تا حدود زیادی با هویت مکانی در ارتباط و بر روی نظارت و مراقبت آن‌ها از محله اثرگذار است و در پی آن باعث بالا رفتن میزان احساس امنیت در ساکنان محله می‌شود. همچنین متغیرهای تصور مردم نسبت به محله‌ی مورد مطالعه، میزان دست‌یابی به امکانات شهری و میزان استفاده از تجهیزات امنیتی بر میزان جرم در محله تأثیر می‌گذارد؛ بنابراین می‌توان با طراحی درست شهری و توزیع عادلانه امکانات شهری و ایجاد فضاهایی امن برای گفتگو و گذران اوقات فراغت شهروندان در آن و محله‌ای کردن شهر و جلوگیری از، از بین رفتن قلمروگرایی در محلات و از پی آن بالا رفتن نظارت غیررسمی ساکنان و مراقبت و نگهداری از محیط محله‌ی خود و دخالت دادن خود در بهتر شدن شرایط در محله، محیطی با امنیت و آرامش بالا و دور از مزاحمت و بزهکاری ایجاد کرد. در این راستا پیشنهادهایی برای مقاوم‌سازی فضاهای جرم‌خیز شهری ارائه می‌شود:

- بالا بردن مشارکت مردم در امر پیشگیری و تأمین امنیت اجتماعی.
- مدیریت در امر فضاهای فاقد دید بصری و غیرقابل دفاع که فضاهای مناسبی برای ارتکاب جرم هستند.
- از بین بردن بی‌تمدنی یا بی‌نظمی فیزیکی و کالبدی مثل وجود زباله و ایجاد فضاهای آلوده، ساختمان‌های مخروبه.
- مدیریت و نظارت بر بافت‌ها و خانه‌های قدیمی شهر و ایجاد شرایطی برای نوسازی و رونق پیدا کردن این مکان‌ها.
- از مالکان ساختمان‌های متروکه یا کلنگی باید درخواست شود تا به تعمیر، ایمن‌سازی و یا از بین بردن ساختمان‌های مذکور مبادرت ورزند و پیش‌بینی‌های امنیتی همچون استفاده از قفل‌ها، محکم کردن درها و نصب روشنایی و همچنین استانداردهای امنیتی برای طراحی ساختاری و مکانی اعمال شود.
- ایجاد عدالت در امکانات شهری و با توجه به گفته دُری ریوز، عدالت یعنی اطمینان یافتن از اینکه انسان‌ها با نیازهای متفاوت، فرصت‌های برابر را در

اختیار دارند زیرا تنوع بدون عدالت تنها به تفاوت منجر می‌شود. توسعه‌ی پایدار رهیافتی برای تحقق عدالت است که جنبه‌های فضایی عدالت و تنوع در شهر را مورد توجه قرار می‌دهد.

- فراهم کردن خدمات و زیرساخت‌های مطلوب برای جذب بیشتر جمعیت ساکن به مرکز شهر.
- ایجاد مراکز تفریحی و گذران اوقات فراغت و نورپردازی در فضاهای عمومی که در آنجا نظارت کمتری صورت می‌گیرد و حضور و نظارت بیشتر پلیس در این مکان‌ها.

منابع:

- بهرامی، اردشیر. (۱۳۹۰). «بررسی رابطه‌ی احداث فضای سبز بر امنیت اجتماعی و جرایم»، فصلنامه‌ی مطالعات امنیت اجتماعی، تابستان.
- جاکوبز، جین. (۱۳۸۹). «مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی» «باغ شهرهای زیبای تابناک»، ترجمه‌ی حمیدرضا پارسا و آرزو افلاطونی، دانشگاه تهران، آبان، شماره‌ی ۲۲.
- حسینی، سید ابراهیم و ادیب‌زاده، بهمن. (۱۳۸۷). «امنیت کالبدی با رویکرد CPTED، بررسی عوامل محیطی مؤثر در ایجاد فضاهای ایمن در ساماندهی و طراحی بافت‌های فرسوده شهری»، اولین همایش بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده شهری، ۲۰ و ۲۱ آذر ماه.
- رضایی بحراباد، حسن. (۱۳۹۰). «بافت‌های فرسوده‌ی شهری، مکان‌های جرم‌خیز: تأثیر بافت فرسوده‌ی پیرامون حرم رضوی بر وقوع جرم»، مجله‌ی مطالعات اجتماعی ایران، سال چهارم، شماره‌ی ۴.
- ساروخانی، باقر و نویدنیا، منیژه. (۱۳۸۵)، «امنیت اجتماعی خانواده و محل سکونت؛ در تهران»، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، پاییز، شماره‌ی ۲۲.
- صدیق سروسستانی، رحمت الله و نصر اصفهانی، آرش. (۱۳۹۰). «مطالعه‌ی عوامل مؤثر بر ترس از جرم در محله‌های شهری»، مسائل اجتماعی ایران، سال سوم، تابستان، شماره‌ی ۱.

- فلیسنر، دن و هنزل من، اف. (۱۳۸۳). «پیشگیری از وقوع جرم از طریق طراحی محیطی و اداره‌ی امور پلیسی جامعه‌گرا»، *نشریه‌ی علوم انسانی*، دانش انتظامی، بهار، شماره‌ی ۲۰.
- قرایی، فریبا و دیگران. (۱۳۸۹). «بررسی و سنجش حس امنیت در مناطق مختلف شهری، آرمانشهر»، بهار و تابستان، شماره‌ی ۴.
- کلانتری، محسن. سلامی بیرامی، ابوذر. (۱۳۹۰). طراحی شهری و پیشگیری بزهکاری، زنجان: نشر آذر کلک.
- محمودی جانکی، فیروز و قورچی بیگی، مجید. (۱۳۸۸). «نقش طراحی محیطی در پیشگیری از جرم»، *فصلنامه‌ی حقوق، مجله‌ی دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، دوره‌ی ۳۹، تابستان، شماره‌ی ۲.
- مدیری، آتوسا. (۱۳۸۵). «جرم، خشونت و احساس امنیت در فضاها‌ی عمومی شهر»، *فصلنامه‌ی علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال ششم، شماره‌ی ۲۲.
- نوروزی. فیض الله و فولادی سپهر. سارا. (۱۳۸۸). «بررسی احساس امنیت اجتماعی زنان ۲۹ - ۱۵ ساله‌ی شهر تهران و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن»، *مجله‌ی راهبرد، زمستان*، شماره‌ی ۵۳.
- Cinar; Eylem Akman. Cubukcu; Ebru, (2012), The Influence of Micro Scale Environmental Characteristics on Crime and Fear, Social and Behavioral Sciences, procedia, pp 83-88.
- Cohen; Deborah; (2008); The built environment and collective efficacy; Health & Place; pp 198-208.
- Giles-Corti; Billie; (2008); The built environment, neighborhood crime and constrained physical activity; Preventive Medicine; pp 241-251.
- Kim; Joongbaeck; (2010); Neighborhood disadvantage and mental health: The role of neighborhood disorder and social relationships; Social Science Research; pp 260-271.
- Knuiman; Matthew; (2011); Creating safe walkable streetscapes Does house design and upkeep discourage incivilities in suburban neighbourhoods; Journal of Environmental Psychology; pp 79-88.
- Mair; Christina; (2010); Neighborhood stressors and social support as predictors of depressive symptoms in the Chicago Community Adult Health Study; Health & Place; pp 811-819.
- Miles; Rebecca; (2006); Neighborhood disorder and smoking: Findings of a European urban survey; Social Science & Medicine; pp 2464-2475.
- Noraini; Joharia; (2012); The Relationship between Crime Prevention through Environmental Design and Fear of Crime; Procedia - Social and Behavioral Sciences; pp 628 - 636.

- Pitner; Ronald O; (2012); Making neighborhoods safer: Examining predictors of residents' concerns about neighborhood safety; *Journal of Environmental Psychology*; pp 43-49.
- Roman; Caterina G.; (2008); Fear of Walking Outdoors; *American Journal of Preventive Medicine*.
- Scarborough; Brittney K.; (2010); Assessing the relationship between individual characteristics, neighborhood context and fear of crime; *Journal of Criminal Justice*; pp 819-826.

Archive of SID